



السَّلامُ عَلَيْنَا يَا وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ

مسابقه بزرگ حاضران به غیاث برکت

همراه با ۱۱۰ جایزه متبرک و ارزنده
از حرم مطهر رضوی



روش‌های شرکت در مسابقه

حفظ، مفاهیم، پاسخ به سؤالات و...

جهت دریافت اطلاعات بیشتر و شرکت در مسابقه

کد QR زیر را اسکن کنید.

سایت مسابقات حرم مطهر: Haram.razavi.ir

کانال مسابقات حرم مطهر در نسیم رضوان: [@mosabeghe_razavi](https://www.instagram.com/mosabeghe_razavi)



تکلیف‌گزاران
مجلس شورای اسلامی



انتشارات زائر رضوی

۰۵۱-۳۲۲۴۶۰۵

@nashr_zarrarazavi

التبسم الرحمن

حدثنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضى الله عنه قال:

حدثنا محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن الحسين بن أبى الخطاب، و
يعقوب بن يزيد جميعاً، عن محمد بن أبى عمير، عن عبد الله بن سنان، عن
معروف بن خربوذ، عن أبى الطفيل عامر بن واثله عن خُذَيْفَةَ بْنِ أَسِيدِ الْغِفَارِيِّ قَالَ:

لَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مِنْ حَجَّةِ الْوِدَاعِ وَنَحْنُ مَعَهُ،
أَمَرَ أَصْحَابَهُ بِالنُّزُولِ، فَنَزَلَ الْقَوْمُ مَنَازِلَهُمْ، ثُمَّ نُودِيَ بِالصَّلَاةِ، فَصَلَّى
بِأَصْحَابِهِ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ إِلَيْهِمْ فَقَالَ لَهُمْ: إِنَّهُ قَدْ نَبَّأَنِى اللّٰطِيفُ
الْخَبِيرُ أَنِّى مَيِّتٌ وَأَنْتُمْ مَيِّتُونَ، وَكَأَنِّى قَدْ دُعِيتُ فَأَجَبْتُ، وَإِنِّى مَسْئُولٌ
عَمَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ، وَعَمَّا خَلَفْتُ فِيكُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَحُجَّتِهِ، وَ
أَنْتُمْ مَسْئُولُونَ عَمَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَعَمَّا خَلَفْتُ فِيكُمْ مِنْ كِتَابِ
اللَّهِ وَحُجَّتِهِ، وَأَنْتُمْ مَسْئُولُونَ فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ لِرَبِّكُمْ؟

قالوا: نقول: قَدْ بَلَّغْتَ وَنَصَحْتَ وَجَاهَدْتَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا أَفْضَلَ الْجَزَاءِ.
ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: أَلَسْتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنِّى رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ، وَأَنَّ
الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْبَعْثَ بَعْدَ الْمَوْتِ حَقٌّ؟ فَقَالُوا: نَشْهَدُ
بِذَلِكَ. قَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَى مَا يَقُولُونَ.



أَلَا وَإِنِّي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ
اللَّهَ مَوْلَايَ وَأَنَا مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، وَأَنَا أَوَّلُ
بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ، فَهَلْ تَقْرُونَ [إِلَى] بِذَلِكَ وَ
تَشْهَدُونَ لِي بِهِ؟ فَقَالُوا: نَعَمْ، نَشْهَدُ لَكَ بِذَلِكَ.
فَقَالَ: أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ عَلِيًّا مَوْلَاهُ، وَهُوَ هَذَا.
ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِهِ عَلَى فَرْعِهَا مَعَ يَدِهِ حَتَّى بَدَتْ أَبَاطُهُمَا، ثُمَّ قَالَ: اَللَّهُمَّ وَالِ مَنْ
وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ. أَلَا وَإِنِّي فَرَطُكُمْ وَ
أَنْتُمْ وَارِدُونَ عَلَى الْحَوْصِ [حَوْضِي] غَدًا، وَهُوَ حَوْضُ عَرْضِهِ مَا بَيْنَ بُضْرَى وَ
صَنْعَاءَ، فِيهِ أَقْدَاحٌ مِنْ فِضَّةٍ، عَدَدُ نُجُومِ السَّمَاءِ. أَلَا، وَإِنِّي سَأَلْتُكُمْ غَدًا، مَاذَا
صَنَعْتُمْ فِيمَا أَشْهَدْتُ اللَّهَ بِهِ عَلَيْكُمْ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا، إِذَا وَرَدْتُمْ عَلَى حَوْضِي؟
وَمَاذَا صَنَعْتُمْ بِالثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي؟
فَانْظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ خَلَقْتُمُونِي فِيهِمَا حِينَ تَلَقُّونِي؟
قَالُوا: وَمَا هَذَانِ الثَّقَلَانِ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟
قَالَ: أَمَّا الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ فَكِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، سَبَبُ مَمْدُودٍ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي فِي
أَيْدِيكُمْ، طَرَفُهُ بِيَدِ اللَّهِ وَالْطَّرَفُ الْآخَرُ بِأَيْدِيكُمْ، فِيهِ عِلْمُ مَا مَضَى وَمَا بَقِيَ
إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ وَأَمَّا الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ فَهُوَ الْقُرْآنُ وَهُوَ عَلَى بَنِي أَبِي
طَالِبٍ وَعِترته، وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْصِ.

پیامبر ﷺ در راه بازگشت از آخرین سفر خود، به ما یاران نزدیکش گفت: «به مردم بگویید همین جا توقف می‌کنیم.» همه ایستادند و همراه پیامبر دو رکعت نماز خواندند.

[پیامبر] روبه‌روی مردم ایستاد. شروع صحبت‌های حضرت، درباره خداوند و اقرار مردم به پیامبری و فرستاده‌بودنش از طرف خدای مهربان بود: «از طرف خدا باخبرم که رفتنی‌ام و به‌زودی، شما هم این جهان را ترک خواهید کرد. من به‌زودی دعوت حق را لبیک می‌گویم. من هم، در برابر هرچه از طرف خداست، از قرآن گرفته تا حجت خدا، مسئولم و شما هم باید پاسخ‌گو باشید. پاسخ شما چیست؟»

مردم گفتند: «بی‌کم‌وکاست پیام خدا را به ما رساندی و بیشترین توان و تلاشت را در راه خیرخواهی ما، به کار بردی. خدا بهترین پاداش‌ها را نصیبت کند.»

پیامبر فرمود: «پس شهادت می‌دهید که خدا یکتاست، من فرستاده‌اش هستم و هرچه درباره بهشت و جهنم و قیامت و زندگی در جهان دیگر گفتم، راست است؟» همه گفتند: «بله، قطعاً.»

پیامبر ادامه داد: «خدایا، تو شاهی چه گفتند. ای مردم، بدانید که خدا مولای من است و من مولای هرکه تسلیم حق شود، هستم.

من خیر شما را از خودتان بیشتر می‌خواهم. آیا قبول دارید و به این مطلب شهادت می‌دهید؟»

همه با صدای بلند گفتند:

«بله! این‌طور است.»



پیامبر خطاب به همهٔ مردم فرمود: «هرکه من مولای او هستم، همین علی بن ابی طالب هم که کنارم ایستاده است، مولای اوست.»

سپس دست علی را گرفت و تا جایی که ممکن بود، دست او را بالا برد. اینجا پیامبر لب به دعا باز کرد و فرمود: «خداوندا، کسی که علی را دوست دارد، دوست داشته باش و با دشمن علی دشمن باش. همه بدانید، من خیلی زود شما را ترک می‌کنم و وعدهٔ دیدار ما، کنار حوض کوثر است، [همان] حوضی که بیش از دوهزار کیلومتر طول دارد و تعداد بی‌شماری جام، پیرامون آن قرار داده شده است؛ درحالی‌که [به سمت من و حوض کوثر می‌آیید،] از شما می‌پرسم که با اقراری که امروز کردید و با این دو گوهر باارزشی که به شما امانت دادم، چه برخوردی داشتید؟ پس مراقب باشید که با آن دو گوهر قیمتی و گران‌بها، چه رفتاری دارید.»

مردم پرسیدند: «آن دو چیز قیمتی چه هستند؟»

حضرت محمد ﷺ فرمود: «گران‌بهای بزرگ‌تر، قرآن [همان کتابی] است که همچون ریسمان الهی، وسیلهٔ اتصال از طرف خدا و من، در دستان شماست. یک طرف ریسمان، دست خدا و طرف دیگر دست شماست؛ [یعنی] کتابی که همهٔ علوم، آنچه گذشت و آنچه خواهد آمد، تا قیامت در آن است. گران‌بهای کوچک‌تر که هم‌پیمان و دوشادوش قرآن است،

علی بن ابی طالب و عترت پاکش هستند. نمی‌شود یکی

را قبول کرد و دیگری رانه، تا زمانی که مرا کنار

حوض کوثر ملاقات می‌کنید.»

